




فصل 9 :

خدمات اوليه





ببینید، بره خداوند میاید،  
شخصی که گناهان تمام مردم  
دنیا را برخواهد داشت.

او مسیح است!

انبیاء در مورد  
او میگفتند.


او چه کاری انجام  
خواهد داد؟

به دنبال عیسی برو.

اما من نمیتوانم شما را  
رها کنم استاد.

من استاد تو نیستم. من باید کوچک و  
کوچکتر شوم و او بزرگ و بزرگتر گردد. او مسیح و  
نجات دهنده دنیا است. به دنبال او بروید.





استاد، ما شما را پیروی خواهیم  
کرد و شاگردان شما خواهی شد.  
خانه شما کجاست؟

بیایید و  
بینید.

فیلیپ، دنبال من بیا

بله استاد، ما منتظر شما بودیم، اما اول باید بروم و نتنائیل را پیدا کنم.

او نیز از احکام خداوند اطاعت کرده و منتظر آمدن مسیح بود.





نتنائیل کجاست؟

او در باغ است. آیا  
مشکلی پیش آمده؟

نه، همه چیز  
خوب است.



نتنائیل، کجا هستی؟

اینجا هستم برادر.

نتنائیل، ما او را پیدا کردیم، همان کسی که موسی و پیامبران خدا درباره اش خبر داده اند. نامش عیسی است، پسر مریم و اهل ناصره.




مسیح را پیدا کردید؟ آیا  
با او صحبت کردی؟ گفتی اهل ناصره؟  
مگر ممکن است از ناصره هم چیز خوبی  
بیرون آید؟ چطور ممکن است مسیح از  
مکانی فقیر،

بیا و خودت ببین. یحیی  
این را تایید کرده و اکنون  
آندریاس با او است.







حقیقتاً این شخص یک اسرائیلی  
واقعی با قلبی پاک است.

فیلیپ آیا به او درباره  
من چیزی گفتی؟

هیچ چیزی  
نگفتم.


تو مرا نمیشناسی چطور  
میتوانی بگویی که من قلب  
پاکی دارم؟

قبل از آنکه فیلیپ تو را پیدا کند، من زیر درخت  
انجیر تو را دیدم.

چطور مرا دیدی؟ هیچکس نمیدانست  
من کجا هستم.







تو پسر خداوند و پادشاه  
حقیقی اسرائیل هستی.

چون فقط گفتم تو را زیر درخت  
انجیر دیدم، به من ایمان آوردی؟ بعد از این  
چیزهای بزرگتر خواهی دید. در حقیقت همه ی شما  
آسمان را خواهید دید که باز شده و فرشتگان خدا نزد  
من می آیند و به آسمان بازمیگردند. همراه من بیا،  
ما کارهای زیادی باید انجام دهیم.

آندریاس نیز رفت تا به  
برادرش در مورد عیسی بگوید.

شمعون، ما مسیح را که  
یحیی در مورد او صحبت  
میکرد را یافتیم.

بیا و بین.

چه زمانی؟ کجا؟ چه جور به نظر می  
آید؟ آیا دیگران به دنبال او هستند؟





تو شمعون فرزند یونا  
هستی، اما از این پس نام  
تو پطرس (به معنی صخره)  
خواهد بود.

من قایم را به خانواده  
ام داده و تو را پیروی  
خواهم کرد.



خیلی زود عیسی دوازده  
مرد را انتخاب کرد تا او  
را پیروی کنند و تعالیم  
او را بشنوند. آنها را  
دوازده شاگرد نامیدند.  
آنها شهر به شهر رفتند و  
خبر خوش آمدن ملکوت  
خدا را موعظه میکردند.





عیسی و شاگردانش برای دعا به معبد رفتند، اما در آنجا تبدیل به محل تجارت و خرید و فروش شده بود.

چرا من باید پول خود را قبل از اینکه به معبد بپردازم، تبدیل کنم؟ بنظر میاید که تو سود زیادی از اینکار میبری.

کاهنان فاسد شده اند. آنها از هر چیزی که در معبد بفروش میرسد، سود میگیرند.

کاهنان این کار را تایید کرده اند.



او چه کار میکنند؟ او به مدت یک ساعت است که در آنجا ایستاده و هیچ چیزی نمیگوید. فقط در حال بافتن آن طناب است.

امروز سود خوبی کردیم. این خیلی بهتر از کارهای دیگر است.






شلاق! او در حال درست  
کردن یک شلاق است!



خانه پدر من باید محل  
عبادت باشد، اما شما آن را به خانه  
دزدان تبدیل کردید. همین حالا آن  
را پاک کنید و بیرون بروید!

خانه پدر او؟ او فکر میکند  
چه کسی است؟ مسیح؟





خانه پدر مرا به خانه تجارت  
تبدیل نکنید. شما یک مشت  
دزد هستید.

تق!





شپ!

شما از نسل افعی و  
شریر هستید، شما حق  
بیوه زنان را میخورید.

اووه!

او فکر میکند چه  
کسی است؟





**تق!**

**بگ!**

فقط برای تظاهر دعای  
طولانی میکنید.


تو همسایه خود را دوست  
نداری، تو پول همسایه  
خود را دوست داری.





بار دیگر که به خانه ی پدر  
من میایید باید برای اعتراف به  
گناهان و توبه باشد.





آیا آنچه را که داود در  
مورد مسیح گفته بود را  
به یاد می آوری؟

آیا آن آیه را که در مورد  
آمدن ناگهانی مسیح به معبد  
خودش میگوید، به یاد داری؟

بلی، غیرتی که  
برای خانه تو دارم،  
آتشی در وجودم  
برافروخته. دشمنان  
همچنان که به تو اهانت  
نمودند، به من نیز توهین  
کردند. آتش خشم، سراسر  
وجودم را میسوزاند، زیرا  
دشمنان من به احکام تو  
اعتنا نمیکنند.



من حدس میزنم تو عیسی ناصری هستی، همانی که یحیی در مورد او صحبت میکند. امروز مشکلات زیادی را بوجود آوردی. چه معجزه ای به ما نشان خواهی داد تا ثابت کند تو مسیح هستی؟

معجزه ای که ثابت کند من مسیح هستم این است که من این معبد را خراب کرده و پس از سه روز آن نو خواهم ساخت.





46 سال طول کشید تا ای  
معبد ساخته شود و تو فکر  
میکنی که میتوانی آن را در سه  
روز بسازی؟ این خیلی نامعقول و  
مسخره است!

اگر یک بار دیگر به اینجا برگردی  
ما تو را دستگیر خواهیم کرد.

منظور عیسی از معبد، بدن خودش بود.  
اما برای آنها توضیح نداد زیرا آنها منظور  
او را نمیفهمیدند.

مزامیر 9:69، 139:119؛ یوحنا 22-2:17

عیسی و شاگردانش، اورشلیم را ترک کردند و  
به ناصره محل زندگی عیسی برگشتند.

اوه عیسی، تو به خانه  
برگشتی. تمام دوستان خود را  
بیاورد و ما برای آنها غذای خوبی  
حاضر خواهیم کرد.

مادر ما برای مدت کوتاهی  
اینجا خواهیم بود، تنها برای  
عید سبت.





ما خیلی خوشحال هستیم که میبینیم یکی از همشهریهای ما به همراه دوستانش به اینجا برگشته است. ما چیزهای عجیبی شنیده ایم و علاقه مندیم که بعدا چیزهای بیشتری بشنویم.

عیسی، در روز سبت طبق معمول به کنیسه، محلی که یهودیان برای عبادت و پرستش در روز شنبه دور هم جمع میشدند، رفت.

اما حالا این افتخار را به ما میدهی تا کلام خدا را برای ما بخوانی؟



عیسی یکی از نبوت های  
اشعیاء نبی را که در مورد  
مسیح بود، خواند.



روح خداوند بر من است، او  
مرا مسح کرده و برگزیده تا مژده رحمت  
او را به بینوایان برسانم. او مرا فرستاده است تا  
رنجدیدگان را تسلی بخشم و رهایی را به اسیران  
و بینایی را به نابینایان اعلام نمایم و مظلومان را  
آزاد سازم؛ و بشارت دهم که زمان آن فرا رسیده  
که خداوند انسان را مورد لطف خود قرار  
دهد.





امروز این نوبت  
به انجام رسید.

سبت به عنوان یک روز مذهبی برای استراحت  
است که از طرف خداوند این روز وضع شده و  
روز هفتم هفته بود و جز یکی از ده فرمان های  
خداوند به قوم یهود بود. (پیدایش 3-2:2؛ خروج



کفر می‌گویید!

تو فقط پسر  
نجار هستی.

او را سنگسار کنید تا  
بمیرد. او ادعا میکند  
که مسیح است.

آرام باشید. ما از  
اینجا می‌رویم.



عیسی و شاگردانش به کفر ناحوم رفتند،  
شهری که نزدیک دریاچه بود و بعضی  
از شاگردانش در آنجا زندگی میکردند. و  
دوباره آنها وارد کنیسه شدند.




و نبی خداوند فرمود، مسیح نوری برای  
غیر یهودیان خواهد بود و آنها به او اعتماد  
خواهند کرد. خوشابحال شخصی که قبل پاکی  
دارد، زیرا او خداوند را خواهد دید. خداوند  
کسی را که نزد او بیاید رد نخواهد کرد، چه  
یهودی یا غیر یهودی باشد.



ای قدوس! ما را به  
حال خودمان بگذار.





من میدانم تو چه کسی  
هستی. تو فرزند مقدس  
خداوند هستی.

او اسیر ارواح شریر  
است. او را از اینجا  
بیرون ببرید.

آیا تو آمده ای تا ما  
ارواح شریر را قبل از زمان  
موعود نابود کنی؟ ما را  
تنها بگذار.



چه کسی او را به اینجا  
آورده؟ مراقب باشید! او  
خطرناک است.





ای ارواح پلید، من به شما دستور  
میدهم تا این مرد را ترک کنید و  
دیگر او را عذاب ندهید!

خارج شو!

آه!





تو با او چه  
کار کردی؟

آیا او مرده  
است؟

ناگهان، او  
برخواست و  
ایستاد.

جلال بر خدا!

ارواح پلید از تو خارج  
شده اند، تو آزاد  
هستی. حالا برو و گناه  
نکن.

عیسی بر ارواح پلید  
اقتدار کامل دارد. آن  
مرد کاملا شفا یافته.







ما خواهیم آمد.

پطرس، همسر تو  
میگوید که باید  
به خانه برگردی،  
زیرا مادر او سخت  
مریض است و تب  
دارد.



اوہ پطرس، همسرم، من  
خیلی میترسم. تب او بدتر  
میشود.

نترسید. استاد  
اینجا است.





خانم عزیز برخیز، تو  
شفا یافته ای.



او دارد از  
برمیخیزد! او شفا  
یافته!

او از تخت برخاست و به عیسی  
و شاگردانش خدمت کرد.



خبر شفا دادن عیسی  
پخش شد و بسیار  
افراد مریض را نزد  
عیسی آوردند.

ای استاد، از زمانی که  
من کودک بودم، پدرم فلج شده  
است. یک کنده درخت بر روی او  
افتاد و کمرش را شکست و او را فلج  
کرد. لطفاً اگر می‌توانی به او  
کمک کن.

برخیز و راه برو.





جلال بر خداوند!



من میتوانم راه بروم!  
این یک معجزه است!



ای استاد، دختر من  
نابینا به دنیا آمده. آیا  
میتوانی به او کمک  
کنی؟

همان طور که کتاب مقدس  
میفرماید: "کوران بی‌نا خواهند شد."  
اکنون دختر تو میتواند ببیند.

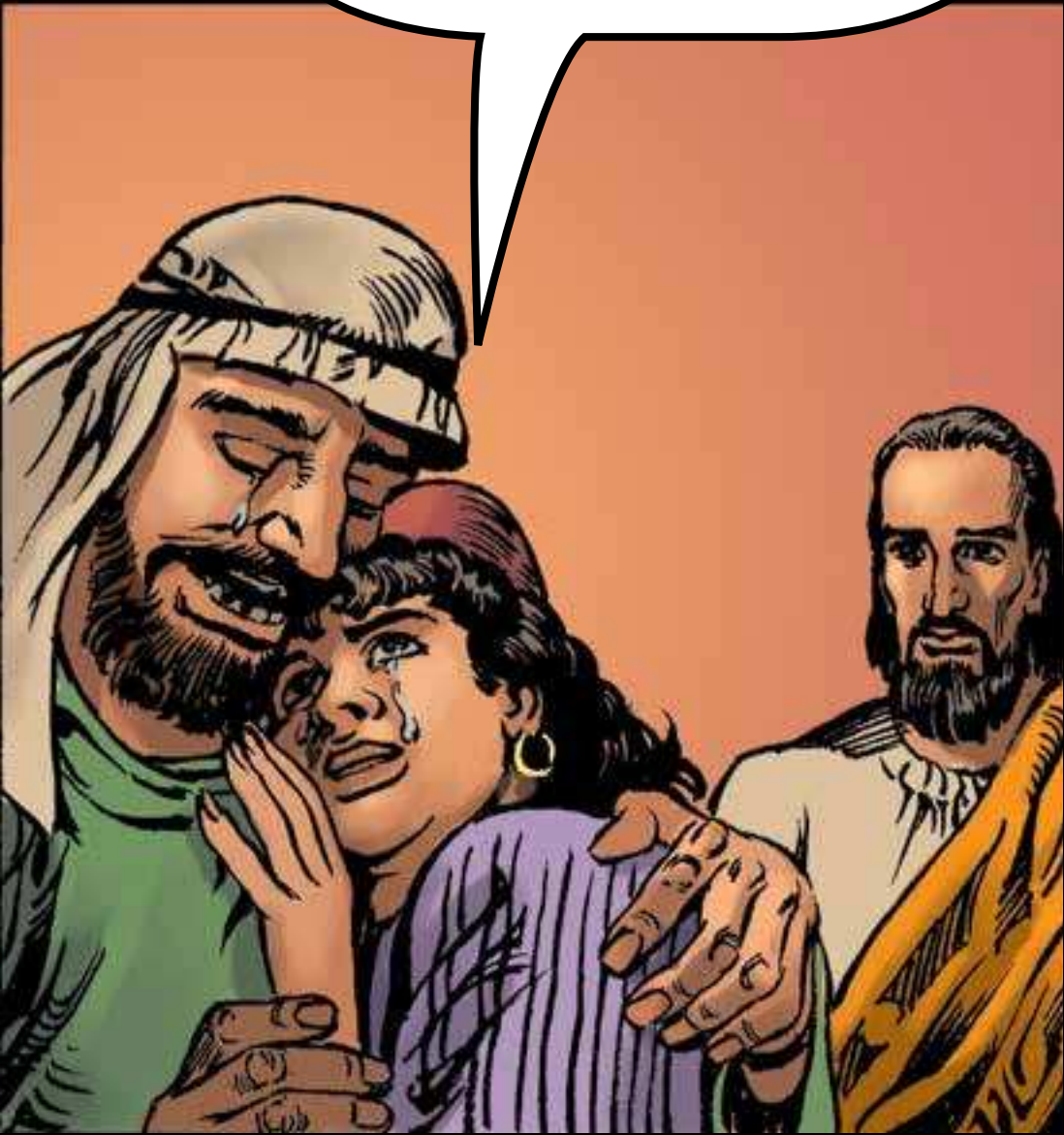






پدر، آیا این تو هستی؟

اوه پدر، من نمیدانستم تو چه  
شکلی هستی، اما تو خوشتیپ تر  
از آنچه من تصور میکردم هستی.






عیسی و شاگردانش در زمان  
جشن به اورشلیم رفتند و  
عیسی در معبد مردم را تعلیم  
داد.

وقتی کسی شما را لعنت کند، او  
را لعنت نکنید. در عوض برای  
او طلب برکت کنید. با دیگران  
طوری رفتار کنید میخواهید با  
شما رفتار شود.

شنیده اید که:  
همسایه ات را دوست بدار و با  
دشمن خویش دشمنی کن. اما من به  
شما میگویم دشمنان خود را دوست  
بدارید و برای کسانی که به شما آزار  
میرسانند دعا کنید.



A man with a beard, wearing a white tunic and a yellow shawl, stands in a classical building with columns. He has his right hand raised and is speaking to a crowd of people. The crowd consists of men wearing various head coverings like turbans and caps. The scene is set in a well-lit, open-air or semi-enclosed space with architectural details like columns and arches.

وقتی کسی به حقوق  
شما تجاوز میکند، او را  
بخشید. بدین وسیله اگر قلب  
شما پاک باشد، برکت خواهید  
یافت و خدا را ملاقات خواهید  
کرد. اگر شما موجب صلح و  
آرامش باشید، برکت بیشتری  
دریافت خواهید کرد

اما حکم در مورد چشم  
به عوض چشم و دندان به  
عوض دندان چیست؟





اگر کسی بر گونه راست تو  
سیلی زد، گونه دیگر خود را به طرف او  
بگردان. به کسی بدی نکنید. وقتی میبینید  
همسایه شما به لباس نیاز دارد و شما یک لباس  
اضافه دارید، آن را به او بدهید. اگر او گرسنه  
باشد، به او غذا بدهید. پدر آسمانی شما همه  
چیز را خواهد دید و شما را برکت  
خواهد داد.

شما شنیده اید که  
میگویند، قتل نکنید، اما من به  
شما میگویم اگر نسبت به برادر  
خود خشمگین شوید، شما در  
معرض داوری و قضاوت خداوند  
قرار میگیرید.

متی 5:8، 21-22، 38-44، 12:6؛

مرقس 1:34؛ لوقا 4:40





شما شنیده اید که  
گفته شده است که زنا  
مکن، اما من به شما  
میگویم اگر حتی با نگاه  
شهوت آلود به زنی نگاه  
کنید، همانا در دل خود با  
او زنا کرده اید.






رهبران مذهبی در ظاهر  
پاک به نظر میرسند اما  
درونشان پر از شرارت و  
بدجنسی است.


آنها مانند قبر سفید مرمری و زیبا هستند که در  
درون خود پر از استخوان های مرده است. اگر  
عدالت و پارسایی شما بیشتر از آنها نباشد، شما  
وارد پادشاهی آسمان نخواهید شد.





راهی وسیع به سمت  
هلاکت وجود دارد که  
بسیاری این مسیر را  
میپیمایند.

من درِ ورود به ملکوت  
هستم. اگر شما از طریق من وارد شوید،  
شما زندگی جاویدان خواهید داشت. اگر  
تلاش کنید تا از مسیر دیگری بروید، شما  
در گناهان خود خواهید مُرد.




چرا در روز سبت شفا میدهی؟  
موسی فرمان داده که ما در روز  
سبت کاری انجام ندهیم.

پدرم مرا به این دنیا  
فرستاده تا کار او را انجام  
دهم. من تنها کاری را که او  
به من میگوید انجام  
میدهم.

تو خودت را با خدا برابر میدانی.  
این کفر است و مجازات آن مرگ  
است!





این اراده ی پدر آسمانی  
است که، مردم پسر را  
مانند پدر احترام گذاشته و  
پرستش کنند.

زمانی خواهد رسید آنهایی که  
در قبرها هستند صدای مرا شنیده و از  
مرگ برخاسته و تعدادی به سوی حیات  
ابدی و عده ای هم بسوی  
هلاکت میروند.

او با رهبران مذهبی فرق دارد.  
او با اقتدار سخن میگوید.  
میتروسم او را بکشند.

حقیقتا او مسیح است. اول  
معجزات کرد و حالا هم  
شجاعانه آنها را ادعا میکند.

من باید بروم و به  
زنم بگویم.






استاد یک فریسی آمده و میخواهد  
شما را ببیند. او رهبر یهودیان است و  
شخص بسیار مهمی است.

چرا او در هنگام شب  
آمده است؟ آیا خجالت میکشد  
اگر او را در هنگام صحبت با  
عیسی ببینند؟


من میروم تا با او  
خصوصی صحبت کنم.



استاد، ما رهبران یهود میدانیم  
که تو معلمی هستی که از طرف خداوند  
آمده ای، هیچکس نمیتواند معجزاتی را  
که انجام دادی، بکند، مگر اینکه خداوند  
با آن شخص باشد.

تنها در صورتی میتوانی  
ملکوت خداوند را ببینی  
که دوباره متولد شوی.





آیا تو به من میگویی که باید  
به رحم مادرم برگردم و برای بار  
دوم به دنیا بیایم؟


نه، آنچه از جسم تولد یابد، جسم  
است و آنچه از روح متولد شود، روح  
است. نیکو دیموس به من گوش کن، تو  
باید دوباره متولد شوی.

تولد تازه چطور ممکن  
است؟



این تولد روحانی است و مانند  
وزش باد اسرار آمیز است. باد هر جا  
که بخواهد می وزد صدای آن را می  
شنوی، اما نمیدانی از کجا می آید یا به  
کجا میرود حالت کسی هم که از روح  
خدا متولد میشود، همینطور است. اگر  
میخواهی به ملکوت وارد شوی، باید از  
آسمان دوباره متولد شوی.





اما آنها داشتند از نیش  
مار میمردند، چون گناه کرده  
بودند. زمانی که آنها به مار  
مفرغی نگاه میکردند در  
لحظه شفا میافتند.

همانگونه که  
موسی در بیابان مجسمه  
مار مفرغی را بر چوبی  
آویزان کرد تا مردم به آن  
نگاه کنند، من نیز باید بر  
صلیب آویخته شوم.

اعداد 9-21:5؛ یوحنا 14-3:1  
فریسی: عضو یک فرقه  
قدیمی یهودی است که باید  
از قوانین سنتی یهود دقیقا  
اطاعت نموده و پیروی کنند.


بله، حتی حالا نیز تمام مردم بخاطر نیش گناه در حال مردن هستند. اما این بار من به صلیب کشیده خواهم شد تا همه مردم مرا ببینند. همانطور که آنهایی که توسط مار گزیده شده بودند به مجسمه مار مفرغی نگاه کردند و شفا یافتند، آنهایی که با نیش گناه گزیده شده اند، با ایمان آوردن به من نجات خواهند یافت.







زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آور، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد. اما کسی که به من ایمان نیاورد محکوم خواهد شد.



پس تو میگویی تنها راه نجات از  
گناه، تولد دوباره است، و تو بر  
صلیب آویخته خواهی شد تا نجات  
را فراهم کنی.

چه زمانی تولد  
تازه واقع خواهد  
شد؟

بعد از آنکه من بر  
صلیب آویخته شوم  
تا همه مرا ببینند.



سامری ها در شهری بین اورشلیم و جلیل زندگی میکردند. یهودیان از هرگونه ارتباط با سامری ها اجتناب میکردند، حتی از شهر آنها نیز عبور نمیکردند، چون آنها باور داشتند که سامری ها از لحاظ روحانی نجس هستند. روزی عیسی شاگردانش را با گفتن این مورد غافل گیر کرد:



بیاید، من باید از مسیر سامره بروم.

خداوندا، مردم آنجا نجس و نادان هستند! آنها در فقر و فساد زندگی میکنند.

خواسته ی پدر من این است که من به سامره بروم.

در هنگام ظهر آنها  
به چاه آبی خارج از  
شهر رسیدند.

شما به شهر بروید و  
گوشت بخرید. من در کنار  
این چاه آب منتظر شما  
خواهم ماند.

آیا شما میخواهید  
تنها در اینجا بمانید؟


بله من باید کار  
پدرم را انجام دهم.







عیسی خسته، تشنه و گرسنه بود. اگرچه  
آنزمان وقت مناسبی نبود که یک زن برای  
بردن آب به سر چاه بیاید. اما یک زن  
سامری جهت برداشتن آب به سر چاه آمد.




آیا میتوانی از کوزه خود به  
من آب بدهی؟

هان! چرا یک مرد یهودی  
از یک زن سامری آب میخواهد؟  
من فکر میکردم شما یهودیان با ما  
سامری ها کاری ندارید.

اگر میدانستی که خدا چه هدیه عالی  
میخواهد به تو بدهد و اگر میدانستی که من  
کیستم، آنگاه از من آب حیات میخواستی.






تو به من آب بدهی؟ تو که دلو نداری  
و چاه هم که عمیق است؛ پس این آب  
حیات را از کجا می آوری؟

زمانی که از این  
بنوشی، باز هم تشنه میشوی.  
ولی کسی که از آبی که من  
میدهم بنوشد، ابدأ تشنه نخواهد  
شد، بلکه آ» آب در وجودش  
تبدیل به چشمه ای جوشان  
خواهد شد و او را به زندگی  
جاوید خواهد رساند.

چس از آن آب هب من  
بدهید تا دیگر تشنه نشوم.



برو و شوهرت را بیاور و  
من در مورد این آب به  
تو خواهم گفتم.


من شوهری  
ندارم.

تو پنج شوهر داشتی، مردی  
که اکنون با او زندگی میکنی  
نیز شوهر تو نیست.



حقیقتاً تو نبی هستی و  
گناه مخفی مرا میدانی.

شما یهودیان در اورشلیم عبادت  
میکنید و ما در آن کوه. کدام کوه  
مکان درستی برای پرستش است؟




خدا روح است. او را نمیتوانی  
در معبدی که به دست انسان ساخته شده  
است پرستش کنی. خداوند بدنال افرادی  
میگردد که به او ایمان بیاورند و او را در  
روح و راستی پرستند.

ما میدانی که مسیح به زودی می  
آید، زمانی که او بیاید حقیقت را  
برای ما آشکار خواهد کرد.



من همان مسیح  
هستم.





من باید بروم و به تمام  
دوستانم بگویم!

عیسی به مدت دو روز در  
سامره ماند و کلام خدا را به  
مردم تعلیم داد.




یک روز عیسی به همراه شاگردانش در بالای دامنه کوهی که مصرف به دریاچه جلیل بود، ایستادند. هزاران نفر از شهرهای اطراف برای شنیدن تعالیم او به آنجا آمده بودند.



وقتی به فقیری صدقه میدهی، در میان مردم و در جایی که دیگران آن را ببینند انجام نده.

زمانی که برای جلب توجه مردم عبادت و کارهای دینی انجام میدهی، دیگر از خداوند پاداشی دریافت نخواهی کرد. اما وقتی کار نیکی انجام میدهی، نگذار حتی دست چپت از کاری که دست راستت میکند آگاه شود.






وقتی دعا میکنید مانند  
ریاکاران نباشید. آنان دوست  
دارند در کنیسه ها و گوشه های  
خیابانها بایستند و دعا بخوانند  
تا مردم آنان را ببینند.


در وقت دعا مانند بت پرستان وردهای بی  
معنی را تکرار نکنید، آنان گمان میکنند با تکرار زیاد، دعایشان  
مستجاب میشود. پس مثل ایشان نباشید زیرا پدر شما احتیاجات  
شما را پیش از آنکه از او بخواهید میداند.





تمام وقت و انرژی خود را صرف انداختن ثروت نکنید. مردم ثروتمند بیش از افراد عادی مشکلات دارند و عشق به مال و پول مانع از آن میشود که آنها وارد ملکوت گردند.

گنجهای خود را بر روی زمین ذخیره نکنید. بلکه گنجهای خود را در عالم بالا ذخیره کنید. هیچکس نمیتواند بنده دو ارباب باشد، شما نمیتوانید هم بنده خدا باشید و هم در بند مال، شما در آخر از یکی از آنها متنفر شده و دیگری را دوست خواهید داشت.



ای استاد، اکنون دیر وقت است و مردم تمام روز را با ما بودند. حتماً آنها گرسنه هستند و شهری که بتوان از آن خوراک خرید، دور است.

شما باید آنها را مرخص کنید تا بروند و غذا تهیه کنند.




استاد شما میتوانید نهار مرا بگیرید.  
مادرم برای من پنج نان و دو ماهی  
حاضر کرده است.



بگو همه ی مردم  
روی زمین بنشینند  
و ما به آنها خوراک  
خواهیم داد.

با چه چیزی؟





بگذار ببینم. به نظر میرسد  
ما ماهی و نان داریم.

دوازده سبد بزرگ قرض بگیر  
و آماده شو که غذا را در بین  
مردم پخش کنی.

اما استاد، این  
مقدار برای یک  
نفر نیز کافی  
نیست چه برسد  
به 5,000 نفر.



ای پدر آسمانی، خدا  
و خداوند ما، پادشاه  
جهان نام تو مقدس  
باد. تو هستی که نان را  
از زمین به ما میدهی.





چرا او آن مقدار غذای  
کم را در سبد بزرگ  
میریزد.





آنجا را ببین! آن همه  
غذا از کجا آمد؟

متی 14:19-21؛ لوقا 9:16-17





جلال بر خداوند!


او از آسمان به ما نان  
میدهد، درست مانند  
موسی.

مادر این را باور  
نخواهد کرد!



مردم نان و ماهی را از سبدها  
برداشتند. غذاها همچنان زیاد  
و زیادتر میشدند.





استاد همه خوراک خوردند  
و سبد همچنان پُر است. ما  
نمیتوانیم آن را خالی کنیم.


آنچه باقی مانده را جمع  
کن. تو و دیگران با قایق به آنطرف  
دریاچه بروید. من شما را در آنجا  
ملاقات خواهم کرد. من باید برای  
دعا به کوه بروم.

عیسی به تنهایی به بالای کوه رفت، و شاگردان او با قایق به طرف دیگر دریاچه رفتند.



عیسی معمولاً برای دعا به تنهایی به بیابان میرفت.






زمانی که شاگردان به وسط  
دریاچه رسیدند، طوفان  
شدیدی شروع شد، آنها  
ترسیدند که غرق شوند.

من هرگز طوفان  
شدیدی مانند این  
ندیده بودم.

ما نمیتوانیم از این جان  
سالم بدر ببریم.



همه ی ما غرق  
خواهیم شد!

بین! آنجا چیزی بر  
روی آب است!




آن یک روح است!

آن روح است!

آن یک مرد است که بر  
روی آب راه می‌رود!





پطرس این من  
هستم، نترس.

خداوندا اگر این تو هستی،  
فرمان بده تا من هم بر روی آب  
راه بروم، درست همانطوری که تو  
راه میروی.

نزد من بیا پطرس.





دارم می آیم  
خداوندا.

نه پطرس!

پطرس واقعاً بر سطح آب به سمت عیسی راه رفت.





زمانی که پطرس دید موج بزرگی به  
سمت او میاید و دیگر نتوانست عیسی  
را ببیند، ترسید.



ترس، ایمان او را از بین برد، او  
شروع به غرق شدن کرد.



خداوندا مرا  
نجات بده!



پطرس تو به من  
شک کردی.



عیسی پطرس را به قایق  
برگرداند در حالی که  
هر دو بر روی آب راه  
میرفتند.

پطرس تو بر روی  
آب راه رفتی!








آرام باش.

عیسی طوفان را نهیب زد و ناگهان طوفان آرام شد.



از من فاصله بگیر ای  
خداوندا، زیرا که من  
مرد گناهکاری هستم.

حقیقتاً شما پسر خدا هستید.

تو مسیح  
اسرائیل هستی.

تو خدا و خداوند  
من هستی.



مدتی بعد...


در روزهای جشن بسیار شلوغ  
است. مردم از تمام کشور در اینجا  
هستند، بعضی حتی از مصر و  
یونان آمده اند.

بیایید به سمت  
استخر برویم.

از زمانی که به یاد  
دارم او در اینجا  
بوده است.








آیا مایل هستی شفای  
کامل دریافت کنی؟


من هیچکس را  
ندارم که به من  
کمک کند.

A comic book illustration depicting a scene where Jesus, wearing a yellow robe and a white sash, is being questioned. He is leaning forward, looking towards a man on the right who is holding a sword. The man with the sword has a grey beard and is wearing a white head covering with a green band. Another man with a long blue beard is partially visible on the right. The background is a simple, light-colored wall. Two speech bubbles contain Persian text.

برخیز، بسترت را جمع  
کن و به خانه برو.


آیا تو عیسی هستی؟  
من در مورد معجزات تو  
شنیده ام.





چه کار گستاخانه  
ای. این مرد به مدت  
38 سال فلج بوده است.

امروز روز مقدس سبت  
است. او هیچ حقی ندارد  
آرامش ما را بهم بزند.



من شنیده ام جنبشی شروع شده تا او را برکنار و حذف کنند. او توجه زیادی را به سمت خودش جلب کرده است.


آیا عیسی فکر میکند که مسیح است؟

بله، او مردم را متقاعد کرده که میتواند معجزات انجام دهد.





پاهای او دارند  
رشد میکنند!



او در حال بلند  
شدن است!


این غیر  
ممکن است!





جلال بر خداوند باد!  
بعد از این همه سال!

عیسی همان  
مسیح است!



چرا در روز سبت  
شفا دادی؟

موسی به ما فرمان  
داده در روز سبت  
استراحت کنیم.

اگر گاو شما در چاهی گیر کرده باشد،  
میتوانید آنرا از چاه بیرون بیاورید و این قابل  
قبول است. آیا من با شفا دادن آن مرد قانون  
وز سبت را شکستم؟

پدر من در روز سبت کار میکند،  
من هم همان کاری را که او  
میکند، من انجام میدهم.

لوقا 6:14-5؛ یوحنا 5:17-9






او میگوید خداوند پدر  
او است. او خودش را با  
خدا برابر میداند.

او را نگه دارید!  
او باید سنگسار  
بشود تا بمیرد.

او را بکشید!



آیا شما میخواهید شخصی  
را بخاطر اینکه بیماری را در روز سبت  
شفا داده بکشید؟

او هیچ چیزی خلاف  
احکام ما نگفت.

به آنچه میگوید  
گوش کنید.

او بر خلاف احکام  
ما سخن میگوید.





چطور میتوانی زندگی  
جاویدان بدهی؟

اگر به من که فرزند خدا هستم  
احترام نگذارید، در واقع به خدا که پدر من  
است احترام نگذاشته اید، زیرا اوست که مرا نزد  
شما فرستاده است. یقین بدانید، هر که سخنان  
مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد،  
حیات جاودانی دارد.


به من گوش کنید. شما شگفت زده شده  
اید چون من معجزات انجام دادم. من معجزه های  
بزرگتر از شفای این مرد انجام خواهم داد تا شما  
تعجب کنید. حتی مرده ها را نیز زنده خواهم ساخت  
همانگونه که خدا این کار را میکند. پدر خدا داوری  
گناهان تمام مردم را به من واگذار کرده است و  
اقتدار کامل این دنیا را به من داده است.



زمانی خواهد رسید  
که تمام مرده ها در قبر  
صدای میرا میشنوند و از قبر  
بیرون می آیند، تا کسانی که  
خوبی کرده اند، به زندگی  
جاوید برسند و کسانی که  
بدی کرده اند، محکوم  
گردند.

این کفر گویی است، هیچ  
شخصی نمیتواند مرده ای را  
زنده کند. فقط خدا میتواند  
زندگی جاوید ببخشد.






فکر نکنید من آمده  
ام تا شما را در مقابل خداوند  
محکوم کنم. احکام موسی را  
شما نتوانستید نگه دارید و  
این خود شهادتی بر علیه شما  
خواهد بود.

شما به من ایمان ندارید اما یحیی و  
آیات کتاب مقدس در مورد آمدن من  
پیشگویی کرده اند. آیات کتاب مقدس  
را جستجو کنید، پیشگویی های زیادی  
در مورد من وجود دارد.

این همان شخصی هست می  
خواهند او را بکشند، اما او با  
شجاعت سخن میگوید و آنها  
هیچکاری نمیکنند. آیا سران قوم  
میدانند که او حقیقتاً مسیح و نجات  
دهنده اسرائیل است؟


در کتاب آمده  
است که ما میدانیم  
مسیح از کجا می  
آید، اما ما میدانیم  
که این مرد، فرزند  
یک نجار از جلیلیه  
است.



شما میگویید مرا میشناسید  
و میدانید من از کجا آمده ام. من  
به خواست خودم به این دنیا نیامدم  
بلکه پدرم مرا فرستاده است، اما  
من او را میشناسم و او مرا نزد شما  
فرستاده است.

او چطور شنید من چه گفتم؟





او همه چیز  
را میداند.

او همان مسیح است  
که آمدن او پیشگویی  
شده بود!

آیا شما توقع دارید مسیح بیشتر  
از این مرد برای شما معجزه کند؟




سریعاً بروید و آن کافر  
را دستگیر کنید.

اینبار شرایط بد  
به نظر میرسد.

مردم دارند به او ایمان می  
آورند. او باید ساکت شود.






خوشا به حال کسانی  
که تشنه عدالت و پارسایی  
هستند، زیرا ایشان سیر  
خواهند شد.

هر که تشنه است نزد من بیاید و  
از آبی که من میدهد بنوشد. روح  
القدس در او ساکن خواهد شد  
مانند چشمه آب حیات ابدی.

خوشا به حال برقرار کنندگان  
صلح، زیرا ایشان فرزندان خدا  
نامیده خواهند شد. دشمنان  
خود را دوست بدارید و آنها  
را محبت کنید.

او مانند یک مجرم  
صحبت نمیکند.

آنها میگویند، او جواب  
بیش از 4,000 سال نبوت  
و پیشگویی است.



چرا او را نزد ما نیاوردید؟  
او درست در مقابل شما  
ایستاده بود. چرا او را  
دستگیر نکردید؟

هیچکس تا به حال مانند این  
مرد سخن نگفته است.

او در مورد محبت و  
بخشش صحبت میکند.

ها! آیا او شما را هم فریب  
داد؟ آیا سران مذهبی تحصیل کرده و  
فریسی ها به او ایمان آوردند؟ عیسی  
باید کشته شود.




نیقودیموس، شخصی که هنگام  
شب برای گفت و گو نزد  
عیسی رفته بود.

آیا شریعت به ما اجازه میدهد  
کسی را محکوم کنیم بدون آنکه به  
سخنان او گوش دهیم و بدانیم چه  
کار کرده است؟

نیقودیموس، آیا تو هم یکی از پیروان او از  
جلیل هستی؟ کتاب مقدس را خوب بخوان، چون  
مسیح از جلیل میاید. او از یهودیه، بیت لحم می  
آید و او باید از نسل داود باشد.

متی 5:6، 9؛ یوحنا 4:14، 52-7:45



او مردم ساده را با دروغ  
هایش فریب داده است.

به نظر میرسد او برای  
هر چیزی جوابی دارد.

چرا ما یکی از وکلای زیرک  
خود را نمیفرستیم تا او را با  
کلمات گیر بیندازد؟





من یک فرد بسیار  
باهوش و بیرحم را  
میشناسم.

آن شخص نزد  
عیسی رفت تا  
او را به چالش  
بکشد.


شریعت چه  
میگوید؟

استاد، من باید چه  
کار کنم تا زندگی جاوید  
را بدست بیاورد؟

شریعت میگوید باید  
خداوند را با تمام قلب، جان، قدرت  
و فکر خود دوست داشته باشم و  
همسایه ام را مانند خودم دوست  
داشته باشم.







این جواب تو بود. محبت شریعت  
را کامل میکند. اگر تو همسایه ات  
را مانند خودت دوست داشته باشی،  
خداوند را خشنود کرده ای.

بله، اما همسایه من چه  
کسی است؟ آیا منظور تو  
همه افراد است، حتی آن  
رومیان بت پرست؟

من برای تو  
داستان تعریف  
خواهم کرد:



شخصی از اورشلیم  
به اریحا سفر میکرد، در مسیر  
راهزنان به او حمله کردند و همه چیز  
او را گرفتند و او را لخت کرده و به  
حال خود رها کردند تا  
کشته شود.

زمانی که کاهنی از آنجا  
میگذشت، او را دید و از  
طرف دیگر جاده رد شد و  
به او کمک نکرد.




همچنین یک لاوی، شخصی که انتخاب شده تا در معبد خدمت کند، از آنجا میگذشت، او فقط ایستاد و به زخم های آن مرد را نگاه کرد اما به او کمکی نکرد.



آیا محبت کردن فقط در حرف است؟ آیا نباید در عمل آن را نشان داد؟ اگر تو همسایه خودت را محبت نکنی، در واقع خدا را محبت ننمودی.

پس از آن یک سامری از آنجا میگذشت،  
شخصی که به نظر یهودیان ناپاک و نجس است. وقتی  
او مرد زخمی را دید که و در جاده افتاده است، آن  
سامری توجه نکرد که این مرد یهودی است و فقط  
میخواست به او کمک کند.



آن مرد سامری  
دلش به حال او سوخت و  
ایستاد تا به او کمک کند.





آن سامری زخم های او را شست  
و آن ها را بست. محبت او تنها در  
سخنانش نبود، بلکه در عمل بود.

سپس مرد سامری، او را بر روی الاغ خود گذاشت و او را به کاروانسرا برد تا او استراحت کند و بهبود یابد.




مراقب باش. من برای تو محلی را برای استراحت گرفته ام. به زودی در جای مناسبی می خوابی.





من هزینہ دو ہفتہ برای اتاق و  
غذا را پرداخت میکنم. اگر هزینہ  
نگہ داری از او بیشتر شد، زمانی  
کہ از این راه برمیگردم آن را بہ تو  
پرداخت خواهم کرد.



تو از من پرسیدی که همسایه ات چه کسی  
است. حالا به من بگو کدام یک از آن سه نفر  
همسایه آن مرد بودند؟


معلوم است آن شخصی  
که به او دلسوزی نموده و  
او را کمک کرد.

عالی!





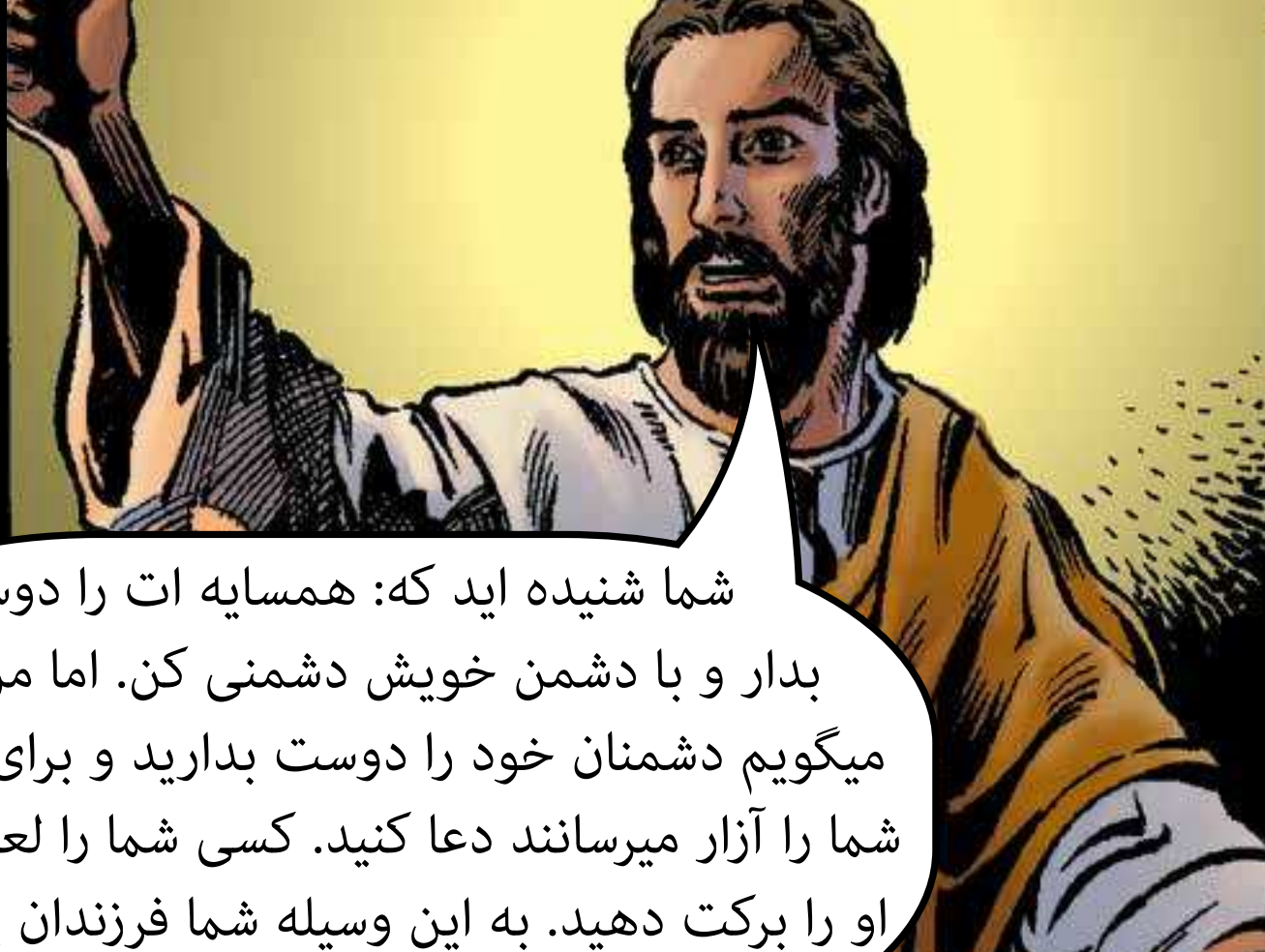
پس تو هم برو و مانند آن  
سامری همسایه خود را محبت  
کن.



ای احمق! قبل از اینکه  
عیسی او را هم تغییر  
دهد، او را از آنجا ببر.

این چه نوع تعالیم مسخره ای  
است؟ اصلاً عملی و اجرا کردنی  
نیست. بعضی از مردم به محبت  
پاسخی نمیدهند.





شما شنیده اید که: همسایه ات را دوست

بدار و با دشمن خویش دشمنی کن. اما من به شما

میگویم دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که

شما را آزار میرسانند دعا کنید. کسی شما را لعنت کرد شما

او را برکت دهید. به این وسیله شما فرزندان پدر آسمانی

خود خواهید بود.

متی 44-43:5؛ لوقا 37-36:10



<https://goodandevilbook.net/>